

۱۳۸۸

حقوق مدنی

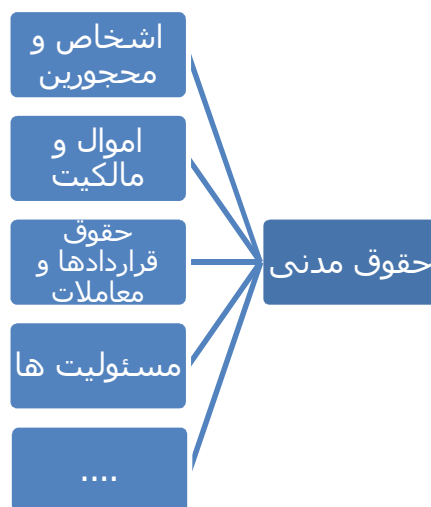
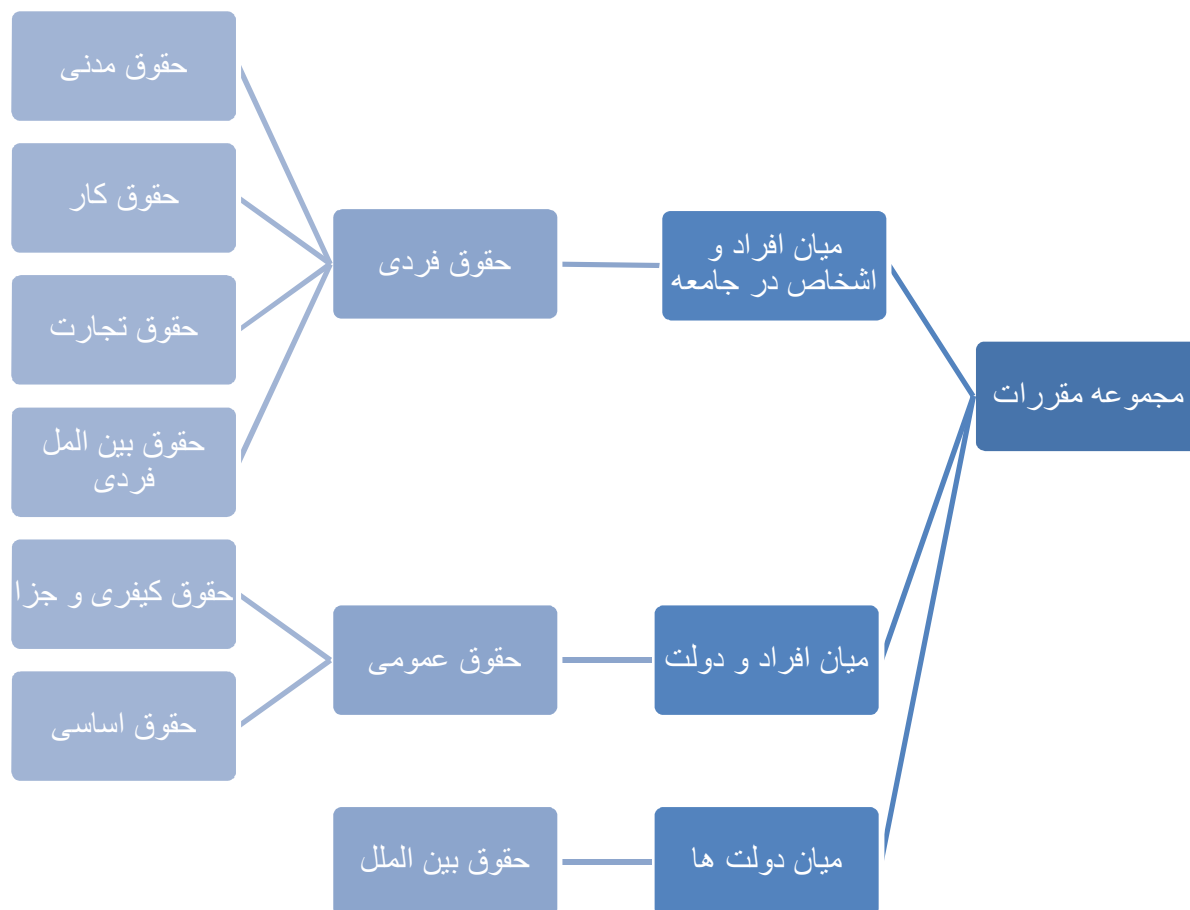
استاد مقدادی

www.MofidLaw88.MihanBlog.com

Mohsen Rouzbahani
MG Group
1388



- مهم ترین هدف حقوق عدالت است.



حقوق مدنی

مجموعه قواعد و مقررات است که حاکم بر روابط افراد جامعه با یکدیگر می باشد و روابط اشخاص را از این لحاظ که عضو جامعه هستند تنظیم می نماید

اشخاص و معبورین

شخص

موجودی که دارای حق و تکلیف می باشد. فقط شخص می تواند دارای حق و تکلیف باشد

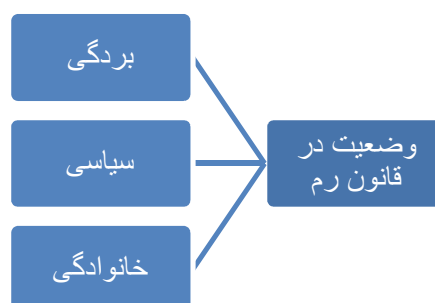
شخصیت

وصف و شایستگی انسان است برای اینکه صاحب حق و تکلیف باشد.

- در روزگار ما انسانی نیست که صاحب حق و تکلیف نباشد ولی در روزگار گذشته برده ها حق نداشتند.

شخص حقوقی

دسته ای از افراد که دارای منابع و فعالیت های مشترکند یا پاره ی از اموال که به اهداف خاصی اختصاص یافته اند و قانون بای آنها شخصیت مستقل قائل است و دارای حق و تکلیف می باشند



وضعیت

عبارت است از اوصاف حقوقی شخص در روابط حقوقی خصوصی به ویژه روابط خانواده.

- اهلیت نتیجه ی وضعیت می باشد.

اهلیت

عبارت است از شایستگی و توانایی شخص برای دارا شدن و اجرای اهل.

احوال شخصیه

اوصافی است که صرف نظر از شغل و مقام اجتماعی برای شخص وجود دارد و قابل ارزش گذاری و مبادله ی به پول نمی باشد و از نظر قانون مدنی آثای برای آن مترتب است. احوال شخصیه مانند طلاق، نسب و ... می باشد.

آیا ارث جزو احوال شخصیه می باشد؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که در قانون هفتم قانون مدنی ارث را جدا از احوال شخصیه بیان می کند همچنین در قانون اجازه ی رعایت احوال شخصیت ایرانیان غیر شیعه در محاکم مصوب سال ۱۳۱۲ مقرر شده است مسلمانانی که تابع مذهب شیعه ی اثنا عشی نیستند از نظر احوال شخصیه، حقوق ارثیه و وصیت دارای مذهب خوشند لیکن در اصل ۱۲ قانون اساسی قانون گذار احوال شخصیه را ازدواج، طلاق، ارث و وصیت تعیف کرده است از سوی دیگر به نظر می رسد تعیف احوال شخصیه بر ارث و وصیت منطبق باشد تنها مشکلی که به قانون گذار وارد است این است که برخی از احوال شخصیه را ذکر نکرده است مثلاً نسبت فرزندان، فسخ نگاه و ... اما در دفاع می توان گفت قانون گذار از بقیه مصادیقی از احوال شخصیه آورده است.

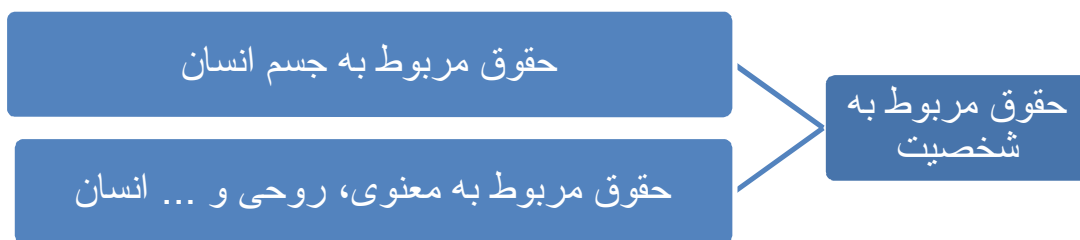
حقوق مربوط به شخصیت

حقوقی که صرف از وابستگی انسان به گروه اجتماعی خواص به وی تعلق دارد و بیشتر از انسان حمایت می کند تا از منافع مادی وی.

مقایسه بین حقوق بشر و حقوق مربوط به شخصیت

در مقایسه میان حقوق مربوط به شخصیت به سه مورد می توان اشاره کرد :

- ۱- حقوق بشر به نوعی مربوط به حقوق عمومی است زمانی که صحبت از آزادی و حق اندیشه ی بیان می کنیم بحث حقوق بشر مطرح است در حالی که حقوق مربوط به اشخاص حقوق مدنی است و به روابط خصوصی افراد می باشد.
- ۲- حقوق بشر شامل امور مالی نیز می شود. مثلاً حق مالکیت از مباحث جزو حقوق بشر است در حالی که گفتیم حقوق مربوط به شخصیت به امور مالی مربوط نمی شود
- ۳- حقوق بشر یک سی حقوق اساسی و مهم انسان می باشد. درحالی که حقوق مربوط به شخصیت ممکن است شامل حقوق غیر اساسی و فرعی نیز باشد.



حقوق مربوط به جسم انسان

منظور این است که جسم انسان دارای احترام است و شخص دیگر حق ندارد به جسم دیگری تعرض کند حتی در مورد جراحی فرد بیمار پزشک نیز باید رضایت شخص و یا سرپرست آن را جلب کند.

آیا انسان پس از مرگ دارای شخصیت است؟

با مرگ انسان شخصیت آن از بین می رود در نتیجه حقوق مربوط به شخصیت ندارد اما چون این جسم برای انسان بوده پاره ای از احترام بای شخص است برای او نیز وجود دارد مثل دفن و کفن.

در قرار دادی از زنان مهمان دار هوا پیمای حق ازدواج در دوران سال استخدام سلب کرده است.

به نظر شما چنین قرار دادی معتبر است؟

در خصوص پاسخ به این سوال برخی قرار داد را معتبر دانسته اند که سلب حق به صورت جزئی بوده است به نظر می رسد که سلب حق ازدواج به صورت کلی است. از سوی دیگر اشکال دیگری برای این شرط واقع است که این شرط خلاف اخلاق حسنه است.

ضمانت اجرای تخلف سلب حق به صورت جزعی

نظیات متعددی بیان می شود. پاره ای میان سلب حق تمتع و حق اجرا فرق گذاشته اند. معتقد هستند که در حق تمتع در صورت جزعی معامله باطل است و در مورد حق اجرا این معامله باطل نیست اما غیر ناخذ است و منوط است به این که شخص متعهدله اجازه به او بدهد.

برخی دیگر معتقدند که هر دو معامله غیر ناخذ است و منوط به اجازه ی متعهدله.

پاره ای از حقوق دانان نیز اساسا معامله صحیح است اما متعهدله طلب خسارت کند

به نظر می رسد نظر می رسد نظر دوم از وجاهت بیشتری برخوردار است. زیرا عرف فرقی بین سلب حق تمتع و اجرا نمی گذارد ثانیاً می توان این مورد را مانند معامله ی فضولی دانست که با تنفیض صاحب حق معامله صحیح و نافذ می گردد.

معاملات

صحیح: کلیه آثار حقوقی را دارا می باشند.

غیر نافذ: حق فرد دیگری در میان باشد. (معامله ی فضولی)

باطل: هیچ اثر حقوقی ندارد.

ماده ۹۶۰ قانون مدنی: هیچ کس نمی تواند از خد سلب حیت کند و یا در حدودی که مخالف قوانین و یا

اخلاق حسنه باشد از استفاده از حیت خود صرف نظر کند.